

عبدالرسول چمانی<sup>۱</sup>

## نظریه هنر رنسانس و مرکزیت مفهوم گرده برداری صحیح

تاریخ دریافت مقاله : ۱۵ ۴ ۸۶

تاریخ پذیرش نهایی : ۲۱ ۹ ۸۶

### چکیده

این نوشتار بر آن است تا با روشی توصیفی-تحلیلی به تحلیل محتوای متون برجسته ترین نظریه پردازان هنر رنسانس مخصوصاً لئون باتیستا آلبرتی نگاه می‌مجدد کرده، و یکی از کلیدی ترین مفاهیم آن دوران، یعنی «گرده برداری صحیح» را به عنوان هسته اصلی نظریه هنر رنسانس بررسی و معرفی نماید. به بیانی دیگر، پرسش اصلی این مختصر متوجه چگونگی قواعد حاکم بر نظام بازنمایی رنسانس و نقش کلیدی ترین انگاره آن است. از دستاوردهای عظیم رنسانس ابداع «نظریه هنر» است که بیشتر مرهون دیدگاه‌های آلبرتی می‌باشد؛ نظریاتی که می‌توان آنها را به مثابه روح و چکیده هنر آن دوران دانست. آلبرتی و دیگر فرهیختگان آن زمان مفهومی جدیدی از «بازنمایی» و قواعد حاکم بر آن را معرفی کردند. بعضی پژوهشگران این نوع بازنمایی را به «گرده برداری صحیح» تفسیر، و آن را ذیل دو مبحث مطرح کرده‌اند: یکی «حقیقت مادی» و دیگری «حقیقت فرمی». حقیقت مادی به رابطه اثر هنری با جهان خارج پرداخته، و حقیقت فرمی به ارتباط درونی اجزا و چگونگی سازماندهی آنها، مخصوصاً مفهوم پرسپکتیو، اشاره می‌کند. به نظر می‌رسد با طرح مفهوم «گرده برداری صحیح» و نقش مرکزی آن در نظریه هنر رنسانس، آثار آن دوره را نمی‌توان به مثابه تنها شیوه طبیعی یا علمی برای بازنمایی دانست، بلکه باید آن را تنها یکی از انواع نظام‌های بازنمایی تصویری انگاشت.

### واژه‌های کلیدی

نظریه هنر رنسانس، گرده برداری صحیح، بازنمایی تصویری، لئون باتیستا آلبرتی